

"بسمه تعالی"

زنان و پیآمدهای جهانی شدن

سپهرضا نقیب السادات

مقدمه

کوچک شدن جهان با پیشرفت سریع تکنولوژی و تشدید روزافزون فعالیت‌های اقتصادی از یک سو و توسعه‌ی شبکه‌های فراملی و جهانی از سوی دیگر، موجب تنزل موقعیت مقامات ملی و نیز گسیختگی ملی می‌شود. به اذعان نظری پردازان شبکه‌های ارتباطی و نظام‌های تولید، در این روند، سطوح محلی و جهانی با یکدیگر پیوند می‌خورند و دیگر روابط و تعاملات اجتماعی، فقط در قالب محلی قابل تصور نیست؛ بلکه این تعامل‌ها در قالب شبکه‌های جهانی صورت می‌گیرد. همچنین، پیوند مردم جهان در جامعه‌ی واحد و فراگیر جهانی از دیگر نکات مورد تأکید در این روند است.

در دیدگاه نظری پردازان انتقادی، جهان گرایی نئو بسط و گسترش و انتقال تمدن و فرهنگ ایالات متحده‌ی آمریکا به سایر کشورهای جهان. به عبارت دیگر، جهان گرایی به معنای نفی دیگران و نفوذ در فرهنگ‌های دیگر است. ادغام بازارهای تجاری جهانی، جابجایی و انتقال سرمایه، نیروی کار و فرهنگ در چارچوب سرمای‌داری و آزادی بازار، و نهایتاً سرفروود آوردن جهان در برابر قدرت‌های جهانی بازار، نتایج جهانی شدن کنونی است که به ازهم گسیختگی مرزهای ملی و کاهش حاکمیت دولت‌ها خواهد انجامید. در این جهانی شدن، عنصر اصلی و اساسی شرکت‌های بزرگ چندملیتی و فراملی هستند که از دولت‌های میزبند امپریالیستی تشکیل شده‌اند. با این نگاه، جهانی شدن اوج پیوستگی سرمای‌داری جهانی در عالم است. در این مناسبات، درآمد بیشتر نصیب کشورهای غری و فقر بیشتر از آن کشورهای فقیر است.

سهم زنان در جهان جدید

اگرچه برنامه‌های مختلفی از سوی سازمان‌های جهانی برای تواناسازی زنان دنبال می‌شود و هدف آن تخصیص منابع بیشتر برای توزیع و دسترسی عادلانه‌تر امکانات است و بر نقش‌های جنسیتی تأکید می‌شود؛ اما در فرآیند جهانی‌شدن به تمایز جنسیتی و ویژگی‌های خاص زنان کمتر توجه می‌شود. همچنین، اگرچه در جلب مشارکت ایشان، زنان رقیب با نسبت‌های مشابه مردان، عهده‌دار مسئولیت هستند، لکن در زمان تقسیم منافع حاصل از کار، مردان سهم بیشتری می‌برند. اگر آمار سهم فعالیت زنان را در دهه‌های گذشته، به‌خصوص در برنامه‌های توسعه و موضوع جنسیت در این روند بررسی کنیم، ارزیابی آن قدری آسان‌تر می‌شود.

گزارش سازمان ملل در ۱۹۸۵

سازمان ملل متحد دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ را دهه‌های توسعه اعلام کرده است، لکن در آغاز دهه‌ی ۱۹۸۰ با آمارهای نه‌چندان مطلوبی درخصوص فعالیت زنان روبه‌رو می‌شویم:

- ۶۷ درصد ساعات کار جهان به زنان تعلق دارد؛
- زنان حدود ده درصد درآمد جهان را به‌دست می‌آورند؛
- دو سوم بی‌سوادان جهان را زنان تشکیل می‌دهند؛
- زنان کمتر از یک درصد دارایی جهان را در اختیار دارند.

در ارزیابی سازمان ملل در سال ۱۹۸۵ از گزارش‌های جمع‌آوری‌شده به مناسبت دهه‌ی زن (۱۹۸۵-۱۹۷۶)، این یافته‌ها اهمیت زیادی دارند:

تقریباً همه‌ی کارهای محیط خانه را زنان انجام می‌دهند و اگر کارهای خارج از منزل را رقیب به آن بیفزاییم، می‌توان نتیجه گرفت که اکثر زنان در یک روز به اندازه‌ی دو روز کار می‌کنند؛

زنان یک سوم نیروی کار رسمی جهان را تشکیل می‌دهند، اما در کارهایی اشتغال دارند که پایین‌ترین مزد به آن پرداخت می‌شود و بخش از مردان در قبال بکار آسپ‌پذیری؛

در ازای کار مشابه زنان و مردان، زنان سه چهارم مردان مزد دریافت می‌کنند؛

زنان یکی از مواد غذایی جهان را تولید می‌کنند، اما به‌ندرت مالک زمینی هستند و همچنین به‌دشواری می‌توانند وامی دریافت کنند و علاوه‌براین در طرح‌ها و پروژه‌های کشاورزی یکی از آن‌ها غفلت می‌شود؛

مراقبت‌های بهداشتی‌ای که زنان برای خانواده‌ی خود اعمال می‌کنند، بیشتر از خدماتی است که از سوی جامعه برای خانواده ارائه می‌گردد. برای اساس، زنان در زمینه‌ی اولویت‌بندی از بکارها، بر مداوا و بهبود وضعیت بهداشتی خانواده‌ی خود پیشگام بوده‌اند؛

نسبت بی‌سوادی زنان به مردان در جهان همچنان سه به دو باقی مانده است؛ اما در همان حال آمار ثبت‌نام مدارس نشان می‌دهد که فاصله‌ی موجود بین آموزش دختران و پسران به تدریج کاهش می‌پذیرد و از این خواهد رفت؛

نود درصد کشورهای جهان تشکلاتی برای به‌شرف پایگاه اجتماعی زنان دارند، اما زنان به علت آموزش کمتر و عدم اعتماد به نفس و کار و مسئولیت سنگین‌تر، در سطوح مختلف تصمیم‌گیری‌های کشوری حضور کمتری دارند.

نظریه‌ی سری لانکا

توزیع نابرابر امکانات سال‌ها برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی را، در عرصه‌های مختلف جهانی، به سمت توجه بیشتر به زنان و توزیع عادلانه‌تر امکانات برای ایشان سوق داد. در ۱۹ و ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۲،

اعضای کمیسیون همکاری منطقه‌ای و ملین منطقه‌ای «درکاندی ۴» واقع در سری لانکا، نظریه‌ای انتشار دادند که به یک بند از بندهای اصلی آن اشاره می‌کند:

ما معتقدیم که دولت‌ها، سازمان‌های دولتی و خصوصی و سای افراد و مؤسسه‌هایی که روابط اقتصادی بین المللی دارند، در برابر خود و نسل‌های آینده متعهد هستند که در جهت ایجاد همه‌نوع همکاری منطقه‌ای و بین المللی تلاش کنند که به سود شرکت‌کنندگان باشد. ما در اینجا، دولت‌ها، مؤسسه‌های بین المللی و سازمان‌هایی که با آینده‌ی بشر سروکار دارند را مخاطب قرار می‌دهیم و از آن‌ها می‌خواهیم که در جهت هدف‌های والا بکوشند. مهم‌ترین وظیفه‌ی ما این است که بشر را به سوی آینده‌ای ببریم که برازنده‌ی او باشد.

وضع کنونی زنان

از زمان تصویب استراتژی‌های آینده‌نگر نای‌وپی (FLS) در سال ۱۹۸۵ برای پیشرفت زنان تا سال ۲۰۰۰، تغییرات و تحولات سرگیری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عمده‌ای رخ نمود که اثراتی مثبت و منفی بر زنان داشته است. در حوزه‌ی سرگیری انتظار می‌رفت که پانچ جنگ سرد، وضعیت مساعدی را برای صلح و ثبات، به عنوان پیش‌نگر پیشرفت اجتماعی و اقتصادی پایدار، فراهم نماید؛ ولی پانچ جنگ سرد، جنگ‌های ناشی از مسائل قومی، دینی، سرگیری و غیبه را به همراه داشت که صلح و ثبات منطقه‌ای و بین المللی را به مخاطره انداخته است. هرچه زنان در تصمیم‌گیری‌های سرگیری و قطعنامه‌های جنگی بیشتر کنار گذاشته شوند، آسیب‌پذیری ایشان بیشتر خواهد شد.

تغییرات ساختار اقتصاد جهانی و افزایش وابستگی متقابل اقتصادی کشورها و اتحادیه‌های منطقه‌ای، باعث ایجاد مزایا و مضراتی برای تک‌تک کشورهای منطقه و گروه‌های خاص درون کشورها، از جمله زنان، شده است. در کشورهایی که در حال انتقال از برنامه‌ریزی متمرکز به اقتصادهای بازار هستند، زنان از بیکاری ناشی از توقف فعالیت سرمایه‌گذاری‌های دولتی و کاهش شدیدی رایانه‌ی دولتی در خدمات

آموزشی، بهداشتی و رفاهی بیشتری ضربه را دیده‌اند. علاوه بر آنکه، زنان غالباً از منافع جانبی حقوق‌بگویی برخوردار نمی‌شوند و در وضعیت نامناسبی مجبور به کار هستند و تحت پوشش قوانین کار و حمایت اجتماعی قرار نمی‌گیرند.

بهرت‌فرت تکنولوژی و تأثیر آن بر کار زنان

بهرت‌فرت‌های سریع در تکنولوژی، گروه‌های خاص زنان را به اشکال مختلف متأثر می‌سازند. بهرت‌فرت در تکنولوژی به صورت کلی کارایی بهیوی کار را افزایش می‌دهد و باعث بهشت‌رشدن درآمد و رشد اقتصادی می‌گردد. به طور کلی، کاربردهای داخلی تکنولوژی به صورت بالقوه بار و حجم کار داخلی را سبک می‌نماید؛ اما تأثیر مثبت تکنولوژی بر زنان احتمالاً برای آنای خواهد بود که ماهرتر و آموزش‌دیده‌تر هستند.

گسترش صنایع در عرصه‌های جهای و عملکرد شرکت‌های بزرگ چندملیتی در قالب صنایع و تکنولوژی‌های جدی، برای حصول درآمد بهشت‌ر و همسان‌سازی تولی‌ات، احتمالاً بهشت‌ری اثرات منفی را بر زنان خواهد گذاشت؛ زی با فن‌آوری جدید حقوق‌بگویی برای زنان حذف خواهد شد و زنان کارگر در مقایسه با مردان، فشار بهشت‌ری را به دلیل کار با حقوق‌های پایین‌تر تحمل خواهند کرد. در اقتصادهای در حال انتقال، خصوصی‌سازی موجب ایجاد بی‌کاری گردیده است و زنان که از قبل مسئولیت‌هایی را در منزل داشتند و سطح مهارت‌های قابل استخدام آنان در مقایسه با مردان پایین‌تر بوده است، با نبود فرصت‌های شغلی روبه‌رو گشته‌اند.

زنان که غالباً دبی‌گاه‌های محیطی متفاوت‌تری در مقایسه با مردان دارند، فشار ناشی از اثرات سوء تخریب محیط را بهشت‌ر تحمل کرده‌اند. گرچه مذاکرات محیط‌زیست بین‌المللی در مورد اثرات گلخانه‌ای، نگهداری منابع حیلت وحش و ژنتیک است؛ اما از آنجاکه زندگی زنان در معرض مسائل زیست‌محیطی‌ای، چون آلودگی آب‌وهوا، ترافیک و تراکم بهشت‌ از حد جمعیت شهرها است، این موضوع در دستور کاری فوری‌تر قرار دارد.

اقتصاد، فرهنگ و سببست جهاری

همه‌ی نکاتی که ذکر شد نشانگر دستاوردهای مهم در خصوص موقعیت و جایگاه زنان در روند تغییرات ملی، منطقه‌ای و جهاری است و این در حالی است که هنوز تفاوت‌های ازبیش حک‌شده ملن زنان و مردان در اذهان پاک نشده است. حال، اگر بخواهیم روند تغییر را از سطوح ملی به جهاری برسانیم، باید بدانیم که سامان‌دهی بیش فرض‌ها در عرصه‌ی جهاری‌شدن نشان می‌دهد که سه عرصه وجود دارد که فرآیند جهاری‌شدن در آن رخ می‌دهد: اقتصاد، سببست و فرهنگ.

در عرصه‌ی اقتصاد و صنعت، جهان انقلاب‌های صنعتی جدی‌ی را تجربه می‌کند و جهاری‌سازی تجارت، سرمایه‌ی و جرطن‌های تکنولوژیک جدی‌ی را شکل می‌دهد. در دوره‌های مشقت اقتصادی، زنان رن همانند مردان از تغییرات نامتناسب و غی‌شایسته‌ی اقتصادی رنج می‌برند. این تغییرات فرصت‌های جدی‌ی را رن بدنبال دارد، اما برای ایجاد فرصت، جنبه‌های مثبت و منفی این تغییرات ساختاری بای تحلیل شود تا بتوان در آن منافع زنان را پی گیری کرد. در این چارچوب، توسعه‌ی صنعتی باثبات، ابزاری اساسی است برای توسعه‌ی اقتصاد، توسعه‌ی جامعه‌ی مدنی و پیشرفت زنان. مشارکت زنان در اشتغال صنعتی مبتنی است بر بهبود شاخص‌های اجتماعی‌ای هم‌چون باروری، سوادآموزی، تحصی، طول عمر و استانداردهای زندگی.

از بعد فرهنگی رن صاحب‌نظران معتقدند که درگی‌های آینده‌ی جهاری با عوامل فرهنگی شعله‌ور می‌شود، نه عوامل اقتصادی ملی‌تولوژیک؛ این نکته اهمیت بعد فرهنگی را نشان می‌دهد. این بعد حوزه‌های وسیعی از باورهای سببسی، اجتماعی و اقتصادی را تحت تأث قرار می‌دهد و عوامل فرهنگی از طریق تحولات تکنولوژیک و رسانه‌ای آگاه‌ی‌ها و باورهای جهانی را تقویت می‌کند و نوعی آگاه‌ی جهاری ایجاد می‌کند. امروزه، همین آگاه‌ی جهاری باعث شده است که بسطی از ملت‌ها، از رسانه‌های تصویری مشابهی استفاده کنند و به همین دلی، آموزش‌های آن‌ها تقریباً شبیه هم است. در این مسی، زنان

با استفاده از همین آگاهی مشترک ایده‌های مشترک، الگوهای رفتاری و عملی مشترک و گرایش‌های مشترک به پوشش، تغذی، باروری، سوادآموزی و... به دست می‌آورند.

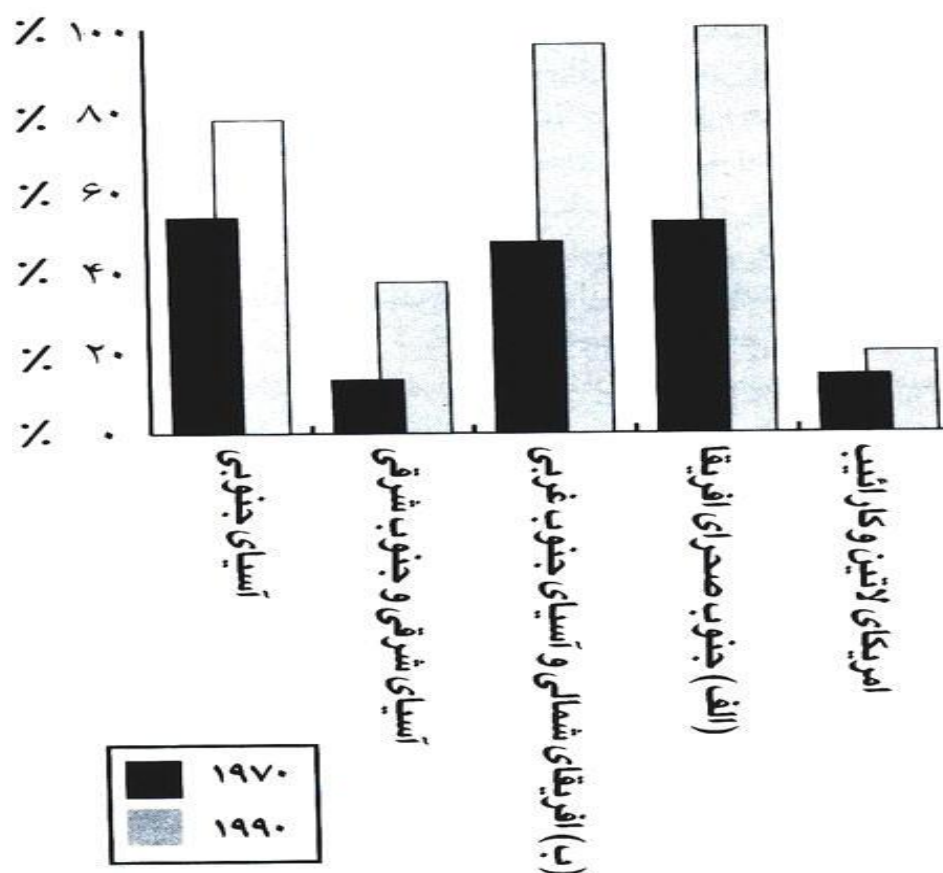
بعد سیاسی نیز از دل همین اشتراک فرهنگی نمایان می‌شود. جهانی‌گرایی سرطری درصدد یافتن راه‌حلهایی همگاری و جهانی است که از طریق سازمان‌های بین‌المللی و قوانین جهانی به شکل‌گیری جامعه‌ی مدنی جهانی (civil society global) کمک می‌کند.

لازم به ذکر است که در عرصه‌ی فرهنگی، به لحاظ افزایش سطح آموزش و سوادآموزی زنان، در دو دهه‌ی گذشته تغییرات بسطی رخ داده است. در بین سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸، درصد دختران و زنانی که در مدارس ابتدایی و متوسطه و حتی در برنامه‌های تحصیلات تکمیلی ثبت‌نام کرده‌اند، یک درصد افزایش نشان می‌دهد. لکن علی‌رغم کاهش زنان بی‌سواد از ۴۶/۵ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۳۳/۶ درصد در سال ۱۹۹۰، هنوز دو سوم (۲/۳) بی‌سوادان جهان را زنان تشکیل می‌دهند و آهنگ باسوادشدن آن‌ها کندتر از مردان است. دلائی متقوی وجود دارد که آموزش زنان سبب مرگ‌ومری کمتر نوزادان، حضور بیشتر زنان در بوی کار رسمی و رشد اقتصادی بیشتر می‌شود. با وجود این، بنا به اعلام صندوق بین‌المللی توسعه‌ی کشاورزی (I F. A. D)، در ۳۷ کشور از فقیرترین کشورها، بودجه‌های بهداشتی، عمدتاً به سبب کسادی سال‌های دهه‌ی ۱۹۸۰، نصف شده است.

به هر حال، چشم‌انداز سواد مطلوب‌تر است. سازمان علمی و فرهنگی آموزش ملل متحد (یونسکو) آمار زنان بی‌سواد را در سال ۲۰۰۰، حدود ۲۹ درصد اعلام کرده است و البته این امر مدین تلاش دولت‌ها و گروه‌های زنان برای یافتن راه‌های تازه‌ی افزایش سواد زنان است.

نرخ بی‌سوادی

نرخ بی‌سوادی در مطلق زنان جوان در حال کاهش است؛ ولی باز هم به‌سرعت بالاتر از نرخ بی‌سوادی در مردان است. هنوز بیش از ۴۰ درصد زنان جوان در آفریقا و آسیای جنوبی و غربی بی‌سوادند.



الف - با احتساب سودان، منهای آفریقای جنوبی ۱۹۷۰

ب - با احتساب سومالی و موریتانی، منهای قبرس و ترکی ۱۹۹۰

تذکر: براساس کل جمعیت زنان و مردان ۲۴ - ۲۰ سال در هر منطقه.

منبع: سازمان فرهنگی، علمی و آموزشی ملل متحد، خلاصه آمار درمورد بی‌سوادی. سال ۱۹۹۰ - شماره ۳۱.

تلاش‌های نین المللی

لازم به ذکر است که هدف اکثر حرکت‌های نین المللی برای توسعه‌ی امور اجتماعی زنان این است ایشان را برای مشارکت در فرآیند توسعه، از طریق شرکت در امور جمعیتی، بهداشتی، آموزشی و فعالیت‌های درآمدزا، تقویت کند. در عرصه‌های مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی از کشورها خواسته شده است تا در اموری چون صلح و امنیت جهانی، به‌شرف اقتصادی، محیط زیست، عدالت اجتماعی، دموکراسی و حکومت مشارکت کنند. در این راه، بی‌شک مشارکت دادن زنان هم به حال صلح جهانی مفید است و هم به بهبود وضع زنان کمک می‌کند. زنان باید بیش‌ازپیش به‌مثابه‌ی عاملان رشد اقتصادی و اجتماعی و سرگیری شناخته شوند و به‌عنوان بازیگرانی اصلی در عرصه‌های جهانی تلقی شوند.

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد

فهرست منابع:

صندوق جمعیت ملل متحد، خلاصه ای از برنامه ی عمل کنفرانس بین المللی جمعیت و توسعه، صندوق جمعیت ملل متحد، تهران، ۱۹۹۵.

لزکی اسکری، جامعه شناسی نظام جهانی، علی هاشمی گلاری، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، تهران، ۱۳۷۴.

Mike Featherston , Global culture, London , sage ,1992 –

آندره میشل، جنبش اجتماعی زنان، ترجمه ی دکتر هما زنجاری زاده، نشر ریکا، مشهد، ۱۳۷۷.

هبه رئوف، مشارکت سبکسری زن، ترجمه ی محسن آرمی، نشر قطره، تهران، ۱۳۷۷.

هربرت شرکر، اطلاعات و اقتصاد بحران، ترجمه ی یونس شکرخواه، کانون ترجمه و نشر آفتاب، تهران، ۱۳۷۵.

معصومه موسوی، تاریخچه ی تکوین نظریه های فمینیستی، نظریه های اجتماعی، کتاب توسعه، شماره ۹، تهران، ۱۳۷۴.

مارگرمیس، زنان: آخری مستعمره، ترجمه ی مریم خراساری، نظریه های اجتماعی کتاب توسعه، شماره ۹، تهران، ۱۳۷۴.

March : International women's Day , Fourth & , UNITED NATIONS -
., Beijing , china ۱۹۹۵September ۱۵-۴conference on women world

مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، تمرکز بر زنان، چهارمین کنفرانس جهانی زنان، از انتشارات سازمان
ملل، تهران، آبان
۱۳۷۴.

منبع: دفتر مطالعات و پژوهشهای مرکز رسیدگی به امور مساجد